

آلات موسیقی قدیم ایران

و دیگر کشورهای خاورمیانه

از دکتر مهدی فروغ



آلات ضربی

دایره

همانطور که در مقاله شماره پیش متذکر شدیم بعضی از علمای اسلام نواختن دایره را در مجالس جشن و عروسی مجاز میدانسته اند و بنا به روایت اولیاء چلبی این ساز اول بار در جشن عروسی حضرت سلیمان نبی با بلقیس بکار رفته است

رساله جامع علوم انسانی

قدوم

دیگر از سازهای ضربی که در دوره اسلامی رواج داشته قدوم نامیده میشده که بنا بقول اولیاء چلبی هوشنگ نامی مخترع آن بوده است. همین نویسنده از قول جریر چنین روایت میکند که در شب زفاف حضرت نبی مرسل با خدیجه قدوم بهمراهی سازهای دیگر از جمله نای و رباب نواخته شده است. باین جهت است که قدوم در محافل عرفا و خانقاه درویشان زیاد بکار میرفته است.

قدوم سازيست شبیه به کوس ولی از آن بسیار کوچکتر و از نقاره
بزرگتر میباشد. این ساز را عموماً بصورت زوج بکار میبرده‌اند و در خاتقاه‌ها
آنها برای همراهی بانوای نی بکار میبردند و برای نواختن آن از
زخمه‌های چوبی استفاده میکردند. یکی از لوازم محافل ذکر در ایش قدوم
ونای بوده است.

نقاره

بر خلاف آنچه در ایران معمول بوده در دوره اسلامی در نواحی عرب
نشین نقاره را مثل دایره و دف بادست چپ نگاه میداشتند و بادست راست
مینواختند و گاهی هم آنها بگردن می‌آویختند و بیشتر در محل اجتماع اعراب
نواخته میشده است. اولیاء چلبی نقاره را باقید کلمه عربی نقل کرده و مخترع
آنها حارث نامی از اهالی یمن ذکر کرده است. در قدیم معمولاً يك جفت
نقاره بکار میبردند و در این مورد آنها را چفته نقاره^۱ میخواندند.
نقاره بیشتر بین عشایر ترك و کولی رواج داشته و اقوام مزبور آنها
«نعره» مینامیده‌اند. این ساز نیز از جمله سازهای رزمی بوده است.

طبل باز

طبل مخصوص شکارچیان بوده و بهین جهت کلمه باز را که مرغ شکاری
معروف است بآن اضافه میکردند. این ساز را طبله المسحر نیز مینامیدند
یعنی طبلی که با آن پرندگان را فریب می‌دادند و آنها را در واقع سحر
می‌کردند و بدام می‌انداختند. طبل باز کوچککی بوده که بانوار چرمی
آنها مینواختند.

دمبک

دمبک انواع و اقسام زیادی دارد و در نواحی خاور میانه باسامی مختلف
نامیده میشود و مانام و شرح بعضی از آنها را در اینجا ذکر میکنیم.
جام دنبلک - باغلب احتمال دمبکی بوده که بدنه آنرا از شیشه میساختند^۲
اولیاء چلبی میگوید شخصی بنام عاصم طائفی مرشد و پیر نوازندگان جام دمبک

۱ - چفته در اینجا بمعنی قرین، نظیر و زوج است ۲ - جام بمعنی شیشه

بوده است .

چوملك دمبلك

دمبكي است كه بدنه آن سفالي باشد مانند كوزه‌هاي گل و بيشر در نواحي تركيه و مصر معمول ميباشد . در تركيه نقاره را نيز گاهي دمبلك ميناميدند . چوملك در تركي بمعني سفالي و گلي است . بعقيده اولياء چلبى اين نوع دمبلك در مصر اختراع شده و در كاروان زوارخانه خدا آنرا مينواختند . بنا بر روايت رئوف يكتاييگ اين ساز را در تركيه بهمراهي دهل مينوازند .

دمبلك يمني

دمبكي است كه در نواحي يمن معمول ميباشد و شباهت به جفجغه اطفال داشته است . در هندوستان نيز سازي شبيه بآن وجود دارد كه آنرا بودبوديك مينامند .

دمبلك مقرن

يعني دمبلك دوتائي يا قرينه‌اي نوعي از دمبلك بوده كه بيشر بين اعراب نجد و حجاز رواج داشته و در تشريفاتي كه در دوره خلفاي عثمانى در شهر اسلامبول بعمل ميآمده نوازندگان اين ساز از نواحي جزيره العرب ميآمدند و شركت ميكردند .

دمبلك ايونى

دمبلك ديگري است كه اولياء چلبى از آن نام ميبرد ولي راجع بآن توضيحي نميدهد .

رتال جامع علوم انساني

دهل - كلمه دهل بصورتهاي مختلف داوول و طاوول و داوول در كتب نويسندگان اسلامي ضبط شده است و عموماً بهمراهي سورنا در ديها و مناطق كشاورزي خاورميانه رواج داشته است و هنوز هم دارد . دهل هم مثل دمبلك باندازه‌هاي مختلف ساخته ميشده است . اندازه‌هاي بزرگتر آن بيشر در شامات و تركيه معمول بوده است . چوب يازخه‌هاي دهل از حيت كلفتي يكسان نيست . يك طرف آن را با چوب كلفتي كه « چنگال » ميناميدند و طرف ديگر آن را با چوب باريك‌تري كه آنرا « دينك » (بروزن عينك) ميناميدند

می‌ساختند .

دیگر از جمله سازهایی که در ردیف آلات ضربی باید نام ببریم «چاگ»^۱ (بمعنی زنگ بزرگ) است که در حوالی ترکیه و شامات معمول بوده و وجوه مختلف دیگر آن عبارتست از «چگرگ» (بمعنی زنگوله) یا چگرق و یا چنگر گو . با احتمال قوی این همانست که در عربی «جرس» و در فارسی «درای» مینامند و معمولاً بگردن شتر و چهار پایان بار می‌بندند . درای همانست که معمولاً با برنج می‌سازند و شکل نیم دایره کامل دارد و عموماً بگردن گاو می‌بندند و چگرگ اندازه کوچکتر آنست که در داخل دایره یا بگردن حیوانات کوچکتر می‌بندند .

فنجان ساز - (فلجان ساز)

بعقیده اولیاء چلبی این ساز که عبارت از ظرفهایی است با اندازه‌های مختلف توسط «مغان» یا پارسیان هندوستان اختراع شده است ولی ابن-غیبی دانشمند بزرگ قرن هشتم میلادی مدعی است که سازی بنام «کاسات» اختراع کرده است و با احتمال قوی کاسات (جمع کاس) همانست که اولیاء چلبی «فنجان ساز» مینامد و کاس که مأخوذ از عربی است در فارسی بمعنی دهل و تقاره نیز آمده است . نویسنده شخصاً در هندوستان این ساز را که مرکب از ۱۵ ظرف با اندازه‌های مختلف بود ملاحظه کرده است . در هیئت نوازندگان هندی این ساز یکی از سازهای عمده محسوب میشود و آنرا جال ترنجینی Jalatharangini مینامند .

شوشگاه علوم هفتانی و مطالعات فرهنگی

ذربوله

نوعی دمبک است که در مصر و شامات و آفریقای شمالی متداول است و عبارتست از یک لوله استوانه شکل که یکطرف آن وسیعتر باشد و پوستی روی آن کشیده شده باشد . در مصر پوست ماهی و در شمال آفریقا پوست بز برای این منظور بکار می‌برند . طرف دیگر این استوانه باز میباشد .

در کشورهایی از خاور میانه و نزدیک که در آسیا واقعست بدنه دمبک عموماً از چوب یا سفال ساخته میشود و غالباً آنرا با صدف یا خاتم و رنگ

۱ - بنظر میرسد که این کلمه چینی یا خطایی باشد .

تزیین و نقاشی میکنند. بندرت دیده شده که بابر نجهم آنرا ساخته اند. هنگام نواختن، آنرا زیر بغل میگذارند بطوریکه قسمت کلفت و پوشیده شده آن از پوست در جلو باشد و با انگشتهای دودست آنرا مینوازند در مصر (نویسنده شخصاً ملاحظه کرده است که) دوره کردها و خوانندگان دوره کرد و رمالها و رانندگان کرجی در روی رودخانه نیل این ساز را مینوازند و باهنگ آن تصنیفهایی میخوانند.

سنج یا زل

علمای علم سازشناسی و نویسندگان اسلامی عموماً این ساز را جزء آلات موسیقی ذکر نکرده اند ولی از قدیم از جمله آلات ضربی بوده که در مراسم مذهبی و نظامی مخصوصاً عزاداری بسیار رایج بوده است.

چارپاره - چاپره

عبارتست از زنگهای کوچکی که رفاصان هنگام رقصیدن در انگشتهای میکنند و بتناسب ضرب موسیقی آنرا بسدا در میآورند.

شانه

ساز دیگری که در این ردیف توسط اولیاء چلبی ذکر شده شانه است ولی راجع بآن توضیحی نشده است.

سازهای ضربی در کشورهای خاورمیانه عموماً و در هندوستان خصوصاً بسیار اهمیت دارد از اینجهت قسمت نهائی این سلسله مقالات را با اشاره مختصری راجع بانواع این ساز در هندوستان پایان میرسانیم.

اهمیت مقام نوازنده دمبک در هندوستان بسیار زیاد است و حقوق ماهانه او بیش از دو برابر حقوق يك معلم می باشد در صورتیکه مدتی که برای تعلیم و تربیت او صرف شده نصف مدتی است که برای تربیت يك معلم صرف میشود.

اهمیت آلات ضربی در موسیقی مغرب بمراتب کمتر از موسیقی شرقی است بعبارت دیگر آلات مذکور در موسیقی غربی فقط برای گذاشتن تأکید روی نغمه های بخصوص و یا تقویت صدا در مواقع لازم بکار میرود در صورتی که در موسیقی شرق دمبک بالاستقلال زبان گویای منحصر و حالت و کیفیت مخصوص بخود دارد و نوازنده دمبک اگر در کار خود مهارتی داشته باشد سعی

میکنند بحر و وزن اشعار خواننده و الحان نوازنده را با صدای مطبوع ساز خود توجیه کند و بوسائل گوناگون تغییر و تحولی در موسیقی پدید آورد. نوازنده دمبک با صدای بلند و پست و قوی و خفیف ساز خود تنوعی در موسیقی شرقی ایجاد میکند که در موسیقی مغرب باین کمال و رسائی میسر نیست^۱. البته از مجموع تیمبالها Timbales یا تیمپانی Timpani میتوان صداهای مختلفی، تا حدود یک اوکتا وجود آورد. یعنی بکمک کلیدهایی که در کنار تیمبال نصب شده میتوان صدای آنرا در تیمبال بزرگ از «فا» تا «دو» و در تیمبال کوچک از «سی بمل» تا «فا»ی زیر تغییر داد. بحث مفصل در این باب فعلاً بی‌مورد است ولی قصداً فقط این بود که نشان دهیم که نوازنده تیمبال در ضمن اجرای یک قطعه سمفونیک در موقع تغییر مایه (مدولاسیون Modulation) مجبور است کلیدهای آنرا بیچاند تا صدای مطلوب را حاصل کند زیرا تیمبالها معمولاً روی تونیک و دومینانت کوک میشوند. در صورتی نوازنده دمبک با مهارت و قدرت زیاد کیفیات متنوعی که در خور موسیقی شرق است با دمبک ایجاد میکند و تقریباً هر چهار خاصیت نوای موسیقی را که عبارتست از قوت و ضعف، پستی و بلندی، حالت، و زمان بین اصوات همه را در دمبک نشان میدهد. در موسیقی شرقی، برخلاف موسیقی غربی لازم نیست ضربهای اول میزانهای متوالی مرتباً قوی و با تأکید نواخته شود. در مشرق موسیقی هنوز از لحاظی تابع وزن شعر است و شعر نیز بنا به کمیت یا کثرت هجاها تنظیم میشود.

برخلاف شعر اروپائی که بترتیب هجاهای قوی و ضعیف منظم میگردد و همین اصل در هر دو موسیقی بکار رفته است^۲ نوازنده دمبک نیز این اصل را رعایت میکند. البته بدیهی است که ضربهای اول هر میزان قویتر از ضربهای دیگر آنست ولی این رویه و ترتیب مدام رعایت نمیشود. در موسیقی شرقی از حیث زمان نیز تنوع بیشتری در نواختن دمبک حاصل میشود و با وجود اینکه در اجرای یک قطعه ضربی دمبک، از ابتدا تا انتها، بدون وقفه در کار است بندرت

۱ - مخصوصاً اگر نوازنده آن آقای حسین تهرانی باشد که در این فن بینظیر است و شاید سالها بی‌قرین و نظیر بماند.

۲ - این موضوع بحث مفصلی است که بقرائت آینده موکول میکنیم.

ضرب چندمیزان متوالی مشابه مییابد. در هندوستان دراز کسترهای جدی هم خواننده گاهی بهمراهی دمبک آواز میخواند. تعداد آلات ضربی در هندوستان تقریباً بی حساب است و بشکلها و اندازه‌های مختلف یافت میشود ولی کیفیتی را که نوازنده دمبک در ایران بایک دمبک بوجود می‌آورد نوازندگان هند با تعداد زیادی از آلات ضربی ایجاد میکنند. نکته دیگر اینست که دمبک برخلاف آلات ضربی در موسیقی غربی بادیست نواخته میشود و در مقابل سه یا چهار ضربه بادیست چپ شش یا هشت ضربه بادیست راست نواخته میشود. ضربه‌های دست چپ اصل و پایه ضرب را حفظ میکند و ضربه‌های دست راست آنرا تزئین میکند بعقیده موسیقی دانان هندوستانی «دمبک آقای آلات موسیقی مییابد».



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی